

۱- ارزیابی سیاست "جانشینی واردات" و جانشینی صادرات برای کشور

مقاله حاضر به چند مقاله‌ای که در این ماهنامه راجع به صادرات و الگوی توسعه منتشر شده است خاتمه می‌دهد.

تذکر این نکته از مقالات قبلی ضروری است که عنوان "جانشینی واردات" که معادل فارسی (Import-Substitution) انتخاب شده است بطور خلاصه بعنوان سیاستی تلقی میشود که تلاش دارد تولیدات داخلی را جانشین کالاهای وارداتی نماید و عنوان "جانشینی صادرات" که معادل فارسی (Export-Substitution) انتخاب شده و دارای اصطلاحات رایج دیگری نظیر سمت‌گیری صادراتی (Export-Orientation) و نظایر آن میباشد اساساً "به معنای جانشین کردن صادرات کشور بجای تولیدات داخلی دیگر کشورها و یا صادرات دیگر کشورها میباشد.

سیاست جانشینی واردات به لحاظ اینکه دارای سابقه طولانی‌تری است شناخته شده‌تر میباشد و چون اغلب کشورهای تازه با استقلال رسیده و یا کشورهایی که از انقلاب آزادیبخش موفق بیرون آمده‌اند این سیاست را درپیش گرفته‌اند، جاذبه سیاسی بیشتری دارد اما به لحاظ عملکرد اقتصادی چنین نیست. سیاست سمت‌گیری به صادرات (Export-Orientation) به لحاظ عملکرد دارای جاذبه اقتصادی است اما بواسطه التزام آن در روابط

گسترده با غرب به لحاظ سیاسی مضمون بنظر میرسد .

مجامع بین المللی ، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از آنجا که بالقوه خواهان گسترش مبادلات بین المللی هستند و اقتصاد هرکشوری را در خدمت اقتصاد و بازرگانی جهانی موفق تر می بینند بخودی خود سیاست توسعه صادرات را توصیه می نمایند و بسیار پیش می آید که نمونه های کمتر موفق این سیاست را به عمد از نظر دور میدارند .

این حکم بطور کلی درست است و آنجائیز که اینها جانشینی واردات را برای صنعتی شدن توصیه کرده اند جانشینسی واردات متکی به صادرات مواد خام و اولیه مثل قهوه و یا منابع زیرزمینی مثل نفت بوده است .

مشخصه بارز دیگر این است که نمونه های موفق سیاست سمت گیری به صادرات در صحنه اول گذرنامه عبور به توسعه صنعتی و اقتصادی ، و برای آمریکا یا انگلیس و نظایر را اخذ کرده اند ، یعنی ویژگی ای داشته اند که در همان مرحله اول قصد اتخاذ سیاست ، تأیید امپریالیسم غرب را گرفته اند یا به زبان دیگر شرایط خاص تاریخی و یا جغرافیائی آنها را مجبور به اتکاء به آمریکا و انگلیس و نظایر آنها کرده است . مثلاً تایوان و تهدید کمونیسم ، هنگ کنگ و تحت الحمايگی انگلیس ، کره جنوبی و مساله تهدید کره شمالی و سنگاپور به لحاظ شرایط خاص جغرافیائی بعنوان یک بندر تجاری استثنائی در جهان . سیاست توسعه صادرات یا سمت گیری بسته صادرات خود به نوبه به واردات متکی است یعنی برای توسعه صادرات در اینگونه کشورها باید تمام لوازم وارداتی آن را به هر ترتیبی

و در اسرع وقت فراهم نمود. و بنابراین بسیاری از دستداران این سیاست چنانچه آنرا محدود به تولیدات داخلی کشور و توسعه صنعتی خود اتکاء آن ببینند، خوشینانه به آن نخواهند نگرست. گویا از مشاهده این سیاست درکنار حجم عظیم بدهی‌های ناشی از عملکرد آن، رضایت بیشتری دارند. بنظر میرسد که سرمایه‌های خارجی که بیشتر متمایل به این سیاست در توسعه اقتصادی کشورها میباشند، پس از بهره‌جوئی کامل از عوامل تولید ارزان و بویژه نیروی انسانی غیرماهر یا نیمه‌ماهر آنها راهی دیارهای دیگری میشوند که شرایط مشابهی داشته باشند. اکنون در آسیای جنوب شرقی، داردنوبست فیلیپین و تایلند میشود. زیرا به مجرد اینکه حمایت‌های قانونی و پیوندهای صنفی، افزایش مهارت و سطح توقع کارگران و غیره باعث گردد که سطح دستمزد ترقی یابد بطوریکه نیروی انسانی ارزان - بعبارت دیگر مفت - مفهوم خود را از دست بدهد آنگاه نوع تکنولوژی موردنیاز صنعت باید سرمایه‌بر باشد تا بتواند رقابت خود در بازارهای خارجی را ادامه دهد.

دیگر اینکه در ارزیابی دوسیاست مذکور در رابطه با اقتصاد کشورمان شتابزدگی نتایج مصیبت‌باری دارد. کره جنوبی که از کشورهای موفق در اتخاذ سیاست مذکور است و اقتصاد آن افسق روشن تری را ترسیم میسازد کشور است که بنیان‌های اولیه صنعت خود را با اتکاء به بازار داخلی پی ریخته است.

و مهم‌تر از همه؛ چه نوع صنایع صادراتی را باید انتخاب کرد. آیا باید مزیت‌های نسبی بالفعل و کنونی را مبنای صادرات، حرکات صنعتی و برنامه‌های توسعه و رشد اقتصادی کشور قرار داد یا

با ارزیابی همه‌جانبه بلندمدت و آینده‌نگر، مزیت‌های پایدار اقتصادی و بازرگانی کشور را کشف و ارزیابی نموده و با اتکاء به آن مزیتها برنامه‌های درازمدت بازرگانی، صنعت و اقتصاد کشور را پی‌ریخت.

بی‌شک درگزینش و عملکرد دوسیاست‌مزبور ابعاد بازار داخلی از عوامل تعیین‌کننده است. ژاپن و کره جنوبی جانشینی واردات را به توسعه صادرات تبدیل کرده‌اند - و برزیل نیز، هرچند بنظر نمیرسد برزیل از نمونه‌های زبانزد سیاست‌توسعه صادرات گردد - حال آنکه هنگ‌کنگ و سنگاپور به‌لحاظ ابعاد کوچک بازار داخلی و نقش خدماتی خود در مبادلات جهانی در ایجاد صنایع نیز از ابتدا برای بازار صادراتی تولید کرده‌اند. بطور کلی عوامل زیر در انتخاب یکی از دوسیاست‌مزبور یا ترکیبی از آنها موثر است:

- نحوه و میزان همکاری کشورهای صنعتی غرب.
- سیاست خارجی کشور و جهت‌گیری بلندمدت آن.
- ساخت فعلی اقتصاد و بازرگانی کشور.
- ارزیابی صحیح از عوامل و منابع تولید کشور.
- ابعاد بازار داخلی.
- منابع پس‌انداز و سرمایه‌گذاری.
- شرایط طبیعی جغرافیائی و سیاسی کشور.
- نوع تکنولوژی موجود و آینده تکنولوژیک کشور.

اقتصاد کشور ما و بویژه بخش صنعت آن عمیقاً "به صادرات

نفت وابسته شده است. تامین کالاهای اساسی، بخش صنعت و قسمتهایی از بخش خدمات سالیانه حداقل معینی ارز نیاز دارند که آنرا در کوتاه مدت از صادرات غیرنفتی تأمین نمیتوان کرد. بنابراین اگر بنابر رهایی از نفت باشد چاره‌ای نیست جز اینکه صادرات غیرنفتی حداقل برای تأمین نیازهای غیرقابل تخفیف کشور بتدریج جانشین نفت گردد. خود این نتیجه‌گیری و مقدمات آن، یعنی اینکه کشور در تولید و عرضه لاقط بسیاری از کالاهای صنعتی با دید صادرات آنها حرکت کند و اولویتهای بازارهای صادراتی را درمورد اینگونه کالاها بر بازار داخلی بطور قطع رعایت و برنامه‌ریزی نماید. و این خود به یک زبان، به معنای اجرای الگوی توسعه اقتصادی متمایل به صادرات است. لذاست که اگرهم آگاهانه نیز بانتخاب‌نشینیم و راه خود را براساس ارزیابی از امکانات و محدودیتهای کشور و با توجه به اهداف نظام روشن بینانه برگزینیم، ساختار صنعت و اقتصاد کشور به گونه‌ایست که خودبخود یکی از الگوهای مزبور را عملاً تحمیل خواهد کرد یعنی جانشینی واردات با اتکاء به صادرات نفت و یا توسعه صادرات غیرنفتی بعنوان موتور پیشرو اقتصاد و بازرگانی کشور.

برخورد مسئولانه و صحیح این است که کشور بتواند از قدرت انتخاب خود بهره‌جسته راه ترکیبی خاصی را - که بنظر ما امکان‌پذیر است - برنامه‌ریزی و اجرا نماید که نه تنها از جدیدترین پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک بهره‌جوید بلکه بتواند با فعال کردن انگیزه‌ها و تحریک رقابت‌های سالم تکنولوژی را به‌مرور از قدرت خلاقیتی درون‌زا بهره‌مند سازد.

ما اگر نخواهیم راههای مزبور را طی کنیم و نفت نیسز صادر ننمائیم با وضعیت فعلی صنعت، خدمات و ساختار اقتصادی که تصویر آن در مقاله "صادرات و الگوی توسعه، اقتصاد کشور و نقش صادرات غیرنفتی در آن" * از نظر علاقمندان گذشت چساره‌ای جز توسل به وام یا کمک خارجی نداریم. آنهم وامی کسلان، بلندمدت با بهره بسیار کم که شاید بتوانیم از عهده بازپرداخت آن برآئیم! کاری که کشورهای تایوان، کره جنوبی، برزیل و امثالهم کرده‌اند!

کشور ما به لحاظ جغرافیائی و سیاسی دارای موقعیت استراتژیک ویژه‌ای است بطوریکه جلب همکاری کشورهای غربی، منوط به وابسته شدن با آنها نیست و سران غرب در تهدید رژیم‌های مستقلی چون ایران مجبورند خطر توسعه طلبی‌های شوروی در منطقه و بی‌ثباتی کامل را نیز لحاظ کنند. بنابراین به صراحت باید گفت که از الگوی توسعه صادرات به لحاظ ایجاب آن در همکاری با کشورهای پیشرفته صنعتی در صورت اتخاذ تدابیر لازم نباید خیلی ترسید. بنابراین برای رهائی اقتصاد کشور از وابستگی بسه درآمد تک محصولی نفت پیشنهادات ذیل عنوان میگردد.

— در کوتاه مدت حذف نفت از صادرات کشور غیر ممکن است اما در بلندمدت بتدریج میتوان این برنامه را عملی نمود و صادرات غیرنفتی را جایگزین آن کرد.

— استراتژی رشد و توسعه اقتصادی کشور ترکیبی از جانشینی واردات، توسعه صادرات و خوداتکائی خواهد بود.

* — موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۱۰ (اسفندماه ۱۳۶۷).

– ایجاد و تخصیص تعدادی از صنایع به صادرات، بطوریکه آن صنایع نظیر وضعیت آنها در کشورهایی که زبانزد در سیاست "توسعه صادرات" می‌باشند اساساً "برای صادرات تولید و عرضه می‌نمایند و شرایط عرضه و فروش آنها را با زار جهانی تعیین می‌کند اما به لحاظ عوامل و منابع تولید می‌توانند از منابع داخلی و یا منابع خارجی استفاده نمایند. اینها صنایعی هستند که دولت در قبال آنها تفاوتی میان بازار داخلی و خارجی قایل نمی‌شود ولی اغلب آنها لااقل تا مدت مدیدی از عرضه کالاهای خود به بازارهای داخلی محروم می‌باشند.

این صنایع می‌توانند از صنایع تبدیل و عمال آوردن محصولات اولیه کشاورزی و غذائی بصورت فرآورده‌های صنایع کارخانه‌ای شروع شده و تا صنایع تولیدکننده فرآورده‌های صنعتی پیشرفته ادامه یابند. این صنایع براساس مزیت‌های نسبی کوتاه مدت و بلندمدت تعیین می‌گردند. مزیت‌های نسبی کوتاه مدت مثل:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال ملی علوم انسانی

- نزدیکی به بازارهای مصرف‌کننده
- امکانات کالارسانی
- اطلاعات در دسترس

– فراوانی و ارزانی منابع و عوامل تولید

در بلندمدت طبعاً "توسعه صنعتی باید مبتنی بر صادرات رشته‌هایی از صنعت یا تولید و عرضه کالاهایی گردد که کشور در آینده نسبت به آنها مزیت نسبی می‌یابد و یا مزیت نسبی آنها بالقوه

وجود دارد و پایدار است از جمله :

- صنایعی که تقاضای آنها نسبت به تغییرات درآمد کُش پذیراست .
- صنایعی را باید در بلندمدت طرح و اجرا کرد که بهره‌وری (Productivity) نیروی کار در آنها سریعاً افزایش مییابد .

- صنایعی را باید انتخاب و اجرا کرد که پیشرفت فنی در آنها سریع است .

انتخاب و اجرای صنایعی نظیر فولاد، فلزات اساسی، مولد انرژی و نظایر که حلقه‌های نهائی صنعت را تشکیل می‌دهند اساساً با دولت است و همچنانکه در کشورهای نمونه سیاست توسعه صادرات ملاحظه میشود، دولت اساساً باید در مورد صنایع صادراتی کاملاً نقش‌راهنما و ارشادکننده داشته باشد. اما مهم‌ترین نقش را نباید و نه لزوماً از طریق صرف مقررات و موانع ایفا کند، بلکه بایستی این ارشاد از طریق جهت و نوع سرمایه‌گذاری‌های زیربنائی - مثل عرضه حساب‌شده انرژی برق، آب و گاز - نیز باشد .

بنابراین در بلندمدت باید ب فکر توسعه صنایعی بود که میتوانند هرروز بازار وسیع‌تری را نوید دهند و طبق نظر گوناگونی میردال و بسیاری از اقتصاددانان ، محصولات کشاورزی و غذائی فاقد چنین قابلیت‌هایی هستند و برعکس رشته‌هایی از صنعت است که واجد چنین قابلیت‌هایی میباشد .

شایان ذکر است که حساسیت تقاضا به تغییرات درآمد ، شمشیر دولبه است و بدین معنا نیز هست که در صورت بروز کساد

در تولید، تجارت و درآمد جهانی تقاضای اینگونه کالاها نپسز
شدیدا " متاثر میگردد و با سرعت بیشتری کاهش مییابد و یا افزایش
آن کاهش میپذیرد اما چون اصل بر روال رونق کسب و تجارت است
و رکود و کسادى دوره‌هاى موقتى محسوب میگردد لذاست که محاسبه
فوق اساسا " صحیح بنظر میرسد .

- درمورد صنایع جواىگوى بازار داخلى که الكوى جانشینى واردات
برآنها حاکم بوده است یک نکته قابل توجه است و آن نکته
اساسا " نوع تکنولوژى متناسب با مرحله رشد و توسعه اقتصادى
کشور است . درموضع گیرى مذکور که دربرگیرنده تحلیل سى از
امکانات و محدودیتها نسبت به کلیه عوامل و منابع وهزینه‌ها
و درآمدها با توجه به زیرساخت اقتصادى کشور است انتخاب پارامتر
" صرفه جوئى مقياس " (Economy of Scale) بعنوان
عامل تعیین کننده در انتخاب واحدهاى تولیدى لااقل کافی نیست .
برای مثال بنظر میرسد چنانچه محدودیتهاى حمل و نقل و شرایط
طبیعى ، جغرافیائى و اقتصادى کشور دقیقا " درنظر گرفته شود
در اغلب اوقات صنایع دربرگیرنده واحدهاى تولیدى با ابعاد
متوسط ولى با تعداد بیشتر ، تأمین کننده رفاه و منافع
اجتماعى و فردى بیشتری باشند . مهمترین دلیل ارائه پیشنهاد
مذکور این است که سیاست جانشینى واردات در اغلب اوقات
بدلیل سرمایه‌گذارى‌هاى عظیم و سپس عدم امکان بکارگیرى و
استفاده از ظرفیت تولید بطور کامل و سپس بدلیل گستگى بازار
فروش داخلى به لحاظ هزینه و درآمد توجیه پذیر نبوده‌اند و
اغلب واردات بیشتری را برای کشور زمینه‌چینی کرده‌اند تا اینکه

بتوانند وسیله‌ای برای نجات آن از واردات باشند.

انتخاب سیاست تشویق سرمایه‌گذاریهایی متوسط در ایجاد واحدهای تولیدی با ابعاد متوسط، جز به کار انداختن سرمایه‌های کوچک و متوسط، زمینه‌مناسبی را در داخل کشور برای رقابت و رشد تکنولوژی فراهم خواهد کرد. زیرا صنایع با ابعاد متوسط در صد دستیابی به بازارهای وسیع‌تر، ناچار از رشد بهره‌وری (Productivity) نهاده‌های تولید و کاهش هزینه‌های خود می‌باشند که بخودی خود تخفیفی برای تورم در اقتصاد کشور است.

این صنایع که هم اصلی آنها در تأمین نیازهای جمعیتی، تقاضای کالا در کشور و تأمین کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع صادراتی است ابتدا بطور عمده شامل صنایعی خواهد شد که محصولات کشاورزی را بصورت فرآورده‌های کارخانه‌ای و یا تبدیل شده عرضه نماید و سپس بخش قابل توجهی از آنها صنایعی بعهده خواهند داشت که کالاهای واسطه و سرمایه‌ای مورد نیاز بخش کشاورزی و روستایی کشور را تولید و عرضه نمایند.

مسئله "تأمین شرایط رشد و ترکیب معینی از این دو استراتژی، که در زمینه کشاورزی خوداتکائی در تولید محصولات اساسی کشاورزی و دامی را در بلندمدت هدف قرارداد است و وظیفه دولت است. تعیین اندازه دقیق متغیرها در مدل رشد و توسعه با ترکیب پیچیده فوق‌مسئله "کار دشواری است و در هر قسمت و مرحله کار فعالیت تحقیقاتی و کارشناسی پیچیده و سریعی را اقتضا می‌نماید.

زیرا هر یک از این دو استراتژی در مرحله پیاده‌شدن

دارای تبعات و آثاری خواهند بود که پیش‌بینی کلینه آنها
امکان پذیر نیست و لذا درکل همیشه باید پیشتازی یک استراتژی
را نسبت‌بدیگری پذیرفت که چنانچه کشور اساساً " برون‌نگر "
باشد و ادغام در اقتصاد جهانی را جایز دارد و دستیابی بسسه
تکنولوژی پیشرفته را در پرتو همکاری‌های صنعتی غرب ببینند
استراتژی پیشتاز آن " سمت‌گیری به صادرات " و یا توسعه صادرات
خواهد بود و استراتژی جانشینی واردات را که عمدتاً " در
" حمایت‌گرایی " (Protectionism) جلوه مینماید بعنوان
استراتژی پشتوانه و مکمل انتخاب خواهد کرد.

اما چنانچه کشور اساساً " درون‌نگر " باشد و ارتباط
با اقتصاد جهانی را فقط درحد ضرورت آن مجاز دارد و درتکنولوژی
مبنا را خودجوشی داخلی آن قرار دهد آنگاه درعمل لزوماً " بر
پیشتازی استراتژی جانشینی واردات بر استراتژی توسعه صادرات
صحه خواهد گذاشت . لکن درهر دو حال حداکثر تلاش دولت تأمین
اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌ها ، براساس نوع ترکیب و اولویت
استراتژیهای مذکور در هربرنامه خواهد بود .

همچنانکه درعملکرد سیاست توسعه صادرات در کشورهای
دیگر مشاهده می‌شود یکی از مزیت‌های اقتصادی زمینه‌ساز اتخاذ
استراتژی " توسعه صادرات " ، فراوانی نیروی انسانی است .
نیروی کار ارزان ، قیمت‌تمام شده را کاهش میدهد و امکان
رقابت اولیه و گسترش‌های بعدی بازار فروش را بوجود می‌آورد .
نیروی کار ارزان بمعنای فداکاری ملت طی چند دهه‌ای است که
پشتوانه و سرمایه زندگی نسل‌های آینده و ایران سربلند خواهد

بود. کشوری که چنانچه نفتی بفروشد بصورت محصولات نهائی نفتی خواهد بود که بیشترین ارزش افزوده را برای اقتصاد کشور تولید کرده باشد. تکنولوژی و پیشرفت را نمیتوان با فروش ثروت ملسی فرا گرفت و بکار بست. آنرا میتوان خرید اما تجربه ثابت کرده است که دستیابی از این نوع؛ خلاقیت نهفته در افراد رادزمینسه پیشبرد تکنولوژی بیدار نخواهد کرد و اگر جرعه‌هایی گساده رخ مینماید گسسته است و فاقد ارتباطی خلاق که حاکی از آئنده پرثمر و شکوفائی پیوسته آن باشد. چاره نیست جز اینکه سرمایه‌های غیر انسانی در ترکیبی فعال و غنی با سرمایه‌های انسانی افزایش یابد و این جز بدان معنی نیست که افراد ملت ما و بسویژه دانش‌آموختگان و کارشناسان و پژوهشگران باید بیش از پیش کمر همت را محکم ببندند و در پرتو اعتقادی راسخ به آئینسده شب و روز کار کنند. بی‌شک در دهه‌های بعد وقتی میوه‌های طلائی را بچند برابر بر خواهند چید فرصت‌های بیشتر و واقع بینانه‌تری برای تحقق رؤیاهای رفاه طلبانه و عدالت خواهانه نیز خواهند داشت، که رهائی از وابستگی به درآمد تک محصولی نفت فقط در پرتو چنین اعتقاد راسخی به کار و کوشش بیشتر تحقق خواهد یافت.

انشاء ...

منابع و مأخذ
○○○○○○○○○○○○○○○○○○

الف - فارسی

۱ - صادرات و الگوی توسعه. ماهنامه بررسیهای بازرگانی. شماره

- ۹ و ۱۰ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷). و مآخذ مقالات مزبور .
- ۲ - مرکز توسعه صادرات ایران . رشد سریع صادرات کره جنوبی — پیام صادرات شماره اول (۱۳۶۳) .
- ۳ - موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی . کره جنوبی . تهران : موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، ۱۳۶۵ .
- ۴ - _____ تراز . شماره های ۳۹ و ۴۰ (۱۳۶۵) .
- ۵ - _____ سیاستها و ضوابط دولتها برای بهبود صادرات ، ماهنامه بررسیهای بازرگانی . شماره ۱۱ و ۱۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۷) .
- ۶ - یونیدو . اولویتهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه . ترجمه بایزید مردوخ . تهران : برنامه و بودجه ، ۱۳۶۵ .

ب - لاتین

- 1-I.T.C., The Export Performance of the Republic of Korea. Geneva:ITC,1984.
- 2-Jha L.K. Do Outward-Oriented Policies Really Favor Growth, Finance & Development. (Dec.1987).
- 3-The Europa Yearbook. London:Europa Yearbook Publications,1986.